

ولا يرد على قل هو الله احد فلما انصرف اخبر بذلك رسول الله صلى الله عليه وسلم
 فحكى عليه ما صنعت قال انما حبيت الى هذه السورة فانا جبرئيل فقال ان الله يحب
 من كان له قلب هو الله احد **قل هو الله احد** كقول ابي محمد كذا يكسب يعني
 وبن شريك يكسب يكسب من حيث عدو شريكك ان جنت اكل او محمد وندست وندست
 وندست وندست اول سورة ان بوده كه كذا ان كسبت كذا ان خود را صفت كن
 از زراست يا از زنده يا از غير كن و پراشريك است يا حق سبحانه و تعالی
 زراست و كسبت يا محمد كوي كذا من خداي است و او يكسبت از زراست و صفات خود
 و مانند سب خريست **الله الصمد** خدايست كه پناه نياز خداست هم كسب
 محتاج او باشد و سب كسب و سب خريست و قتل معنی الصمد است كه كسب
 نسبت معنی درو كوي است و بخورون و آب سدين حاجت نداد و اشارت است
 كان كويك يعني كسب كوي ترا ده كه و يران و فرزند نسبت و كويك و او
 زاده نشد معنی همیشه بود و همیشه خواهد بود و او همیشه است و محدث نسبت و كويك
له كفوا احد و نسبت و بزوده است و نخواهد بود و پراشريك است
 در جهت آنده است كه قل هو الله احد بر نسبت قرآن است يعني هر كس
 بخواند جبران ثواب باشد كه از همه بخش تواني بگره آنده باشد نصيب

نسبت كنند

سوره اينست كه هر چه در عقل و فطرت بود كه خداي تعالی است آنست بگنايان جزيره است عقل
 و فكر را بگنايات او را نه نشد بچگونگي چه شرفي معبودي و لا اله الا هو است و بگنايات
 احد و صفت از اوله و اوله و بن نياز از موت و مده نياز از ميدان فصاحت را و صفات او
 عبادت شك و سابقان عرض معرفت را و تعريف ميوسو كذا ذات او باي اشارت شك نمايات
 ارباب عقول را در بيات معرفت او بخير و خيره و غاش و غاش و غاش و بصيرت صاحب نظر را در شفا و
 عظمت او خردن و بختايش و سبيلي نظاره اشياء در ظاهر است او باطن و باطن او باطن او باطن است او
 ظاهر و باطن او در ظاهر محمود و مخمور را در كذا ذات محمد در عبادت او خردن است اجمال
 معقول بجز الواصفون عن صفك تب عينا فانا نيزه ما عفاك حق معقول
مقالة الرحمن الرحيم
قل اعدو بوب الفلق يعني كوي اي چه پناه من كرم بر پروردگار فلق معني سفيد
 دم كه از شب پروان آيد و قتل فلق جاي است در و درخ كوي نشا و نه شود فرياد از در
 براي از سخني عذاب كه دروي باشد در نفس عميق او زده است كه رسول با صلى الله عليه وسلم
 فرمود در آن جا كه فلق است شش طابعا باشد اول ابران ظاهر و دوم كسان كوي
 همان باشد و خفايت كسب و حق آنها بر كسب و سيمو بگنايات نياز از ربه او
 نياز از ربه او باشد و در نياز از ربه او نياز از ربه او نياز از ربه او نياز از ربه او

102